

حجر اسماعیل و جایگاه آن در مباحث فقهی

مصطفی آخوندی

چکیده

حجر اسماعیل، موضوع چند مسأله فقهی قرار گرفته است؛ مانند «داخل طواف قرار گرفتن»، «دست کشیدن روی دیوار حجر هنگام طواف» و «فاصله مطاف از دیوار حجر». در چرایی و دلایل مسائل فوق، میان فقها اختلاف است. حجر، هم موضوع قرار گرفته و هم مورد استدلال و استناد برخی فقیهان بوده است. چون مسأله به ماهیت حجر باز می‌گردد، این مقاله می‌کوشد ضمن تبیین چیرستی حجر اسماعیل، نقش و جایگاه آن در تأثیرگذاری بر مبانی و دلایل مسائل فقهی روشن سازد.

کلیدواژه‌ها: حجر اسماعیل، طواف، هاجر، اسماعیل و کعبه

حجر اسماعیل و جایگاه آن در مباحث فقهی
شماره ۶۹ - پاییز ۱۳۸۸

میتاق

۳۴

در این‌که حجر اسماعیل چیست؟ آیا جزو کعبه است یا خارج آن؟ از دیرباز میان فقیهان اختلاف بوده و طبعاً بر مبانی فقهی آنان تأثیر گذاشته و گاه به عنوان دلیل مسأله مورد عنایت قرار گرفته است.

مانند: بطلان طواف از داخل حجر اسماعیل، دست کشیدن بردیوار یا دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل، و فاصله حد مطاف از طرف حجر اسماعیل، طبق فتوای فقهای گذشته که قائل به تحدید مطاف به فاصله ۲۶/۵ ذراع هستند. در اینجا این پرسش به ذهن می‌آید که جایگاه حجر اسماعیل در مسائل مربوط به طواف و مسائل فقهی چه مقدار است؟

و این باز می‌گردد به چیستی حجر اسماعیل و قرار گرفتن آن در حیطة دلایل مسائل فوق، لذا کوشیده‌ایم با دلایل نقلی، چیستی حجر اسماعیل را تبیین و مسائل فقهی مربوط به آن را بیان کنیم:

حجر اسماعیل چیست و آیا جزو کعبه است یا خارج آن؟

حجر اسماعیل میان دو رکن شامی و عراقی است. دیواری کوتاه و قوسی شکل به ارتفاع ۱/۳۰ سانتی‌متر و پهنای نیم متر دارد. بالای آن، سه لامپ نورانی با فاصله از هم قرار داده‌اند. داخل حجر، محل دفن حضرت هاجر، حضرت اسماعیل و تعدادی از پیامبران است.^۱

در این‌که آیا حجر اسماعیل جزو کعبه است؟ دو نظریه وجود دارد:

- الف:** حجر اسماعیل - تمام یا قسمتی از آن - جزو کعبه بوده که از آن جدا شده است. این قول منتسب به اهل سنت و علامه حلی است و شهید اول نیز با تردید به مسأله نگرسته است.
- ب:** حجر اسماعیل - نه تمامش و نه قسمتی از آن - جزو بیت نیست. این نظریه منتسب به مشهور فقهای امامیه است.

پیروان نظریه اول

* **الف:** علامه حلی، از میان علمای شیعه، تنها فقیهی است که این نظریه را داده و شهید اول در درس با تردید از آن گذر کرده است.

شهید اول با نسبت دادن مسأله به قول مشهور می‌نویسد: «سواء قلنا بأنه من البيت كما هو المشهور أو لا...»؛ «حجر باید داخل طواف باشد، چه معتقد باشیم که آن جزو بیت است همانگونه که مشهور است، یا بر این باور نباشیم.»^۱

شهید اول، جزو کعبه بودن حجر را به مشهور نسبت می‌دهد، در حالی که مشهور فقهای شیعه گفته‌اند حجر اسماعیل جزو بیت نیست.

علامه در کتاب «منتهی المطلب» (ج ۲، ص ۶۹۱) و تذکرة الفقهاء، با استناد به قول اهل سنت و دلایل آنان می‌نویسد: بنابر قولی از شافعی، حجر جزو بیت نبوده و از خارج آن است و طبق قول دیگری از وی، حجر اسماعیل به اندازه شش ذراع جزو کعبه است. از عایشه نقل شده که گفت: «نذر کردم دو رکعت نماز در داخل کعبه بخوانم، پیامبر ﷺ فرمود: در حجر اسماعیل بخوان.» بنابراین، شش ذراع از آن جزو بیت می‌باشد. برخی هم گفته‌اند هفت ذراع.

علامه روایت تاریخی زیر را نیز به عنوان دلیل دیگر آورده است:

قبل از بعثت پیامبر خدا ﷺ سیلی آمد و خانه خدا را خراب کرد. قریش گرد آمدند تا آن را مانند قبل بسازند. هنگام ساخت و تعمیر خانه، پول پاک و طیب و هدایا و نذر کم آمد. پس کعبه را از جانب حجر کم گذاشتند، همچنین شاذروان را. لیکن عبدالله بن زبیر که بر مکه تسلط یافت، کعبه را خراب و طبق نقشه حضرت ابراهیم بنا کرد. حجاج بن یوسف ثقفی که روی کار آمد، بنای زبیر را خراب و کعبه را به حالت بنای کنونی - که همان بنای قریش است - درآورد.^۲

روایاتی که علامه از عامه آورده، نزد فقیهان شیعه اعتبار ندارد و جز این روایات، دلیل دیگری ذکر نکرده است. بنابراین، نظریه علامه - که شاذ و نادر است - در برابر قول مشهور قدرت عرض اندام ندارد و از اعتبار و حجیت ساقط است.

سید محمد عاملی در کتاب «مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام» می‌نویسد: روایتی که سند بر گفته شهید باشد نیافتیم و بر روایتی که علامه در تذکره آورده، اعتمادی نیست و بر مدعی او نیز مستندی ندیدیم، علاوه این که مدعی ایشان مخالف با روایات است.^۳

علامه محمد حسن نجفی در کتاب «جواهرالکلام»، سخنان علامه را بی پایه و اساس دانسته، می نویسد: «اینها حرف هایی است بی تحقیق که با روایات بسیاری در تعارض است.»^۵
 آیت الله فاضل رحمته الله می نویسد: «این قول - که حجر اسماعیل جزو بیت است - با روایات بسیاری در تعارض می باشد.»^۶

* ب: اهل سنت به اتفاق، جز شافعی گفته اند: حجر اسماعیل جزو بیت است.

ابن قدامه در جایی می نویسد:

«و لنا أنه من البيت»؛ «باور ما آن است که حجر جزو بیت می باشد.»

و دلیل این سخن را که طواف باید از خارج حجر اسماعیل انجام گیرد، همین می داند. او می افزاید: طواف باید بیرون از حجر باشد، چون حجر جزو بیت است.^۷

دلایل اهل سنت

دلایلی که اهل سنت بر این نظریه اقامه کرده اند، روایاتی است که از عایشه نقل شده و به آنها اشاره می کنیم.

۱. ابن قدامه در المغنی به تفصیل و با دو نقل ذکر کرده است:

الف: پیامبر - صلی الله علیه [و آله] و سلم - به عایشه فرمود: «صَلِّي فِي الْحَجَرِ فَإِنَّ الْحَجَرَ مِنْ الْبَيْتِ»؛ «در حجر نماز بخوان، زیرا آن، جزو بیت و کعبه است.»

ب: عایشه گفت: «دوست داشتم داخل کعبه شوم و در آنجا نماز بخوانم. پس پیامبر خدا - صلی الله علیه [و آله] و سلم - دست مرا گرفت و داخل حجر برد و فرمود: در حجر نماز بخوان، اگر خواستی داخل خانه شوی، همانا حجر قطعه ای از خانه است.»

و در مورد صحت روایت، ترمذی گوید: این حدیث حسن و صحیح است.^۸

۲. «عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [و آله] و سلم - عَنْ الْحَجَرِ فَقَالَ هُوَ مِنَ الْبَيْتِ»^۹

از عایشه نقل شده که گفت: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مورد حجر پرسیدم، فرمود: آن جزو خانه است.»

۳. عایشه گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: قوم تو، از خانه کم گذاشتند. اگر تجدید

عهد آنان با شرک نمی‌شد، آنچه را کم گذاشتند، برمی‌گرداندم. پس اگر بعد از من قوم تو خواستند (کعبه را) تجدید بنا کنند، بیا تا آنچه را کم گذاشته‌اند نشان دهم. پس، نزدیک هفت ذراع بود) که کم گذاشته بودند.^{۱۰}

بررسی

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، اهل سنت تنها سه روایت از عایشه به عنوان دلیل نقل کرده‌اند که علامه حلی برخی از آن‌ها را در کتاب تذکرة الفقها آورده است. ولی فقهای بزرگوار، این دسته از روایات را معتبر ندانسته‌اند. بنابراین، قول نخست که می‌گوید: حجر اسماعیل - تمام یا جزئی از آن - از بیت می‌باشد، بی‌پایه و دلیل است؛ زیرا اولاً: جز چند روایت که عایشه نقل کرده، دلیل دیگری بر این مطلب وجود ندارد. ثانیاً - با دلایل و روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام که در قول دوم خواهیم آورد، در تعارض می‌باشند.

پیروان نظریه دوم، یا قول مشهور

مشهور میان فقهای امامیه آن است که حجر اسماعیل - نه تمام و نه بخشی از آن - جزو کعبه نیست. فقهای چون صاحب جواهر^{۱۱}، صاحب مدارک^{۱۲} و آیت الله فاضل^{۱۳} و... به این مسأله تصریح کرده‌اند.

دلایل

سه گروه از روایات بر این نظریه اقامه شده و آن را به اثبات رسانده است:
* الف - روایاتی که با صراحت می‌گویند، حجر اسماعیل جزو خانه نیست:

۱. صحیحۃ معاویة بن عمار

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْحَجْرِ أَمِنَ الْبَيْتِ هُوَ أَوْ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْبَيْتِ؟ فَقَالَ: لَا، وَلَا قِلَامَةٌ ظَفُرٌ وَلَكِنَّ إِسْمَاعِيلَ ذَفَنَ أُمَّهُ فِيهِ فِكْرَهُ أَنْ يُوْطَأَ فَجَعَلَ عَلَيْهِ حِجْرًا وَ فِيهِ قُبُورُ أَنْبِيَاءٍ»^{۱۴}

«معاویة بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدیم: آیا حجر جزو خانه است یا چیزی از خانه در آن واقع شده است؟ فرمود: نه جزو خانه است و نه چیزی از خانه به اندازه سر ناخن، در آن است. بلکه اسماعیل مادر خود را در آن دفن کرد و خوش نداشت قبر مادرش زیر پای طواف کنندگان قرار گیرد. پس اطراف آن را دیوار کشید و همچنین آنجا قبور پیامبران می‌باشد.»

۲. صحیحۀ زراره

«وَعَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَالٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ الْحَجَّالِ جَمِيعاً عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحِجْرِ، هَلْ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْبَيْتِ؟ فَقَالَ لَا، وَلَا قَلَامَةَ ظُفْرٍ»^{۱۵}

«زراره گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدیم: آیا چیزی از خانه خدا در حجر واقع شده است؟ فرمود: نه و نه حتی به اندازه یک سر ناخن.

۳. قَالَ: وَ رُوِيَ أَنَّ فِيهِ قُبُورَ الْأَنْبِيَاءِ علیهم السلام وَ مَا فِي الْحِجْرِ شَيْءٌ مِنَ الْبَيْتِ وَ لَا قَلَامَةَ ظُفْرٍ»^{۱۶}

«روایت شده که در حجر، قبور پیامبران علیهم السلام است. نه چیزی از حجر جزو کعبه قرار گرفته و نه به اندازه سرانگشتی از خانه در حجر واقع شده است.»

نتیجه

روایت معاویة و زراره تصریح دارند که حجر جزو خانه خدا نیست و حتی به اندازه سر ناخن از کعبه در آن واقع نشده است. تعبیر «لا» در روایت؛ یعنی نه تمام حجر و نه قسمتی از آن، جزو کعبه نیست و تعبیر «لا قلامة ظفر» تأکید بر آن است که حتی سر ناخن از حجر اسماعیل جزو خانه خدا واقع نشده است.

* ب - روایاتی که می‌گویند: حجر اسماعیل، خانه اسماعیل بوده که محل دفن هاجر،

اسماعیل، دختران او و برخی پیامبران می‌باشد:

۴. خبر مفضل بن عمر

وَعَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ جُمَّهٍور عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْحِجْرُ بَيْتُ إِسْمَاعِيلَ وَ فِيهِ قَبْرُ هَاجِرَ وَ قَبْرُ إِسْمَاعِيلَ»^{۱۷}

مفضل بن عمر از امام صادق عليه السلام روایت می کند که فرمود: حجر، خانه اسماعیل بود، آنجا قبر هاجر و قبر اسماعیل است.

۵. روایت حلبی

«مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ نَقَلَ مِنْ نَوَادِرِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَزَنْطِيِّ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحِجْرِ، فَقَالَ إِنَّكُمْ تَسْمُونَهُ الْحَطِيمَ وَإِنَّمَا كَانَ لِنَعْمِ إِسْمَاعِيلَ وَإِنَّمَا دَفِنَ فِيهِ أُمُّهُ وَ كَرِهَ أَنْ يُوْطَأَ قَبْرُهَا فَحَجَرَ عَلَيْهِ وَ فِيهِ قُبُورُ أَنْبِيَاءَ»^{۱۸}

حلبی می گوید: از امام صادق عليه السلام در مورد حجر پرسیدم. فرمود: شما آن را حطیم می خوانید. همانا حجر برای گوسفندان اسماعیل بود و در آنجا مادرش را دفن کرد و چون دوست نداشت قبر مادرش پایمال شود، دیواری دور آن کشید و همچنین آنجا قبر پیامبران است.»

۶. خبر ابوبکر حضرمی

«وَعَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النَّعْمَانِ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ إِسْمَاعِيلَ دَفِنَ أُمَّهُ فِي الْحِجْرِ وَ حَجَرَ عَلَيْهَا لِئَلَّا يُوْطَأَ قَبْرُ أُمِّ إِسْمَاعِيلَ فِي الْحِجْرِ»^{۱۹}

«ابوبکر حضرمی از امام صادق عليه السلام روایت می کند که فرمود: اسماعیل مادرش را در حجر به خاک سپرد و دور آن را دیوار کشید تا قبر مادر اسماعیل پایمال (طواف کنندگان) نشود.»

نکته: این روایت را صدوق نیز از طریق خود نقل کرده است.

۷. روایت مفضل بن عمر

«وَعَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا، عَنِ ابْنِ جُمُهورٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْحِجْرُ بَيْتُ إِسْمَاعِيلَ وَ فِيهِ قَبْرُ هَاجِرَ وَ قَبْرُ إِسْمَاعِيلَ»^{۲۰}

«مفضل بن عمر از امام صادق عليه السلام روایت می کند که فرمود: حجر خانه اسماعیل بود و در آن، قبر هاجر و قبر اسماعیل واقع شده است.»

۸. صحیح ابوبصیر

«و فِي الْعِلَالِ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَحْمَدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ، عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ أَبِي بصِيرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَوْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثِ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: وَ تُوفِّي إِسْمَاعِيلُ بَعْدَهُ وَ هُوَ ابْنُ ثَلَاثِينَ وَ مِائَةِ سَنَةٍ فُدِّنَ فِي الْحِجْرِ مَعَ أُمِّهِ»^{۲۱}

«ابوبصیر از امام باقر یا امام صادق عليه السلام در حدیث ابراهیم و اسماعیل می گوید: اسماعیل بعد از مادرش، در حالی که به سن ۱۳۰ سالگی رسیده بود رحلت کرد و کنار مادرش در حجر به خاک سپرده شد.»

۹. روایت محمد بن علی بن الحسین

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ النَّبِيِّ وَ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام قَالَ: صَارَ النَّاسُ يَطُوفُونَ حَوْلَ الْحِجْرِ وَ لَا يَطُوفُونَ فِيهِ، لِأَنَّ أُمَّ إِسْمَاعِيلَ دُفِنَتْ فِي الْحِجْرِ فَفِيهِ قَبْرُهَا فَطِيفَ كَذَلِكَ لِئَلَّا يُوطَأَ قَبْرُهَا»^{۲۲}

«محمد بن علی بن الحسین، از پیامبر و ائمه عليهم السلام چنین روایت می کند: مردم پیرامون حجر طواف می کنند و نه داخل آن، چون مادر اسماعیل در حجر دفن شده است. پس آن قبر مادر اسماعیل است. این چنین طواف می کنند تا قبر او پایمال نشود.»

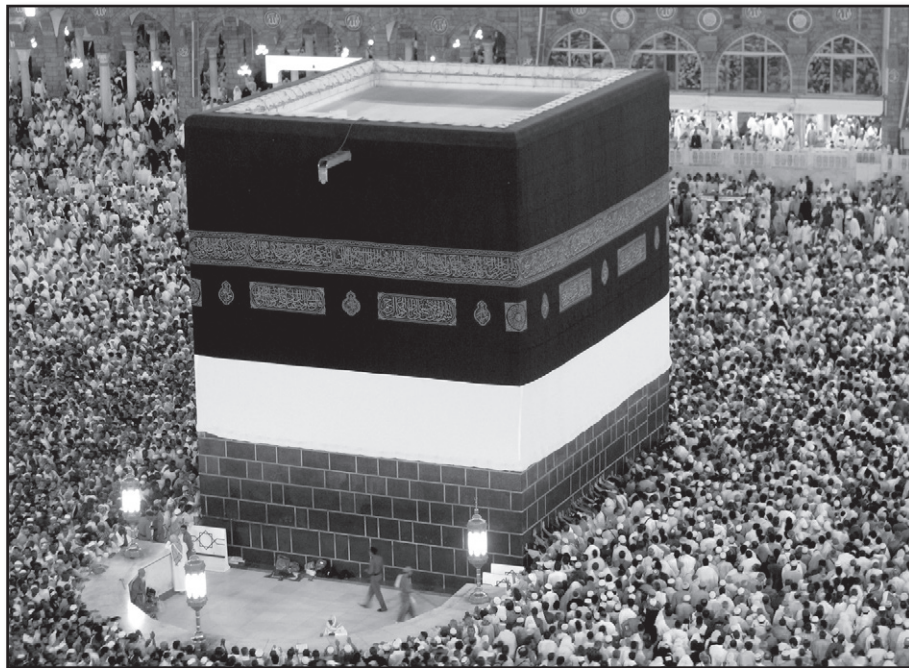
۱۰. قَالَ: وَرَوِيَ أَنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا قَضَىٰ مَنَاسِكَهُ أَمَرَهُ اللَّهُ بِالْأَنْصِرَافِ فَانصَرَافَ
 وَمَاتَتْ أُمُّ إِسْمَاعِيلَ فَدَفَنَتْهَا فِي الْحِجْرِ وَحَجَرَ عَلَيْهَا لِئَلَّا يُوْطَأَ قَبْرُهَا»^{۳۳}

«هنگامی که ابراهیم مناسکش را به پایان رساند، خداوند فرمان به بازگشت او داد. مادر اسماعیل از دنیا رفت و در حجر دفن شد و بر آن دیوار کشیدند تا قبر او پایمال نشود.»

۱۱. روایت معاویة بن عمار

«وَعَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ شَبَابِ
 الصَّيْرِيِّ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دُفِنَ فِي الْحِجْرِ بِمَا يَلِي
 الرُّكْنَ الثَّلَاثِ عَدَاوِي بَنَاتِ إِسْمَاعِيلَ»^{۳۴}

«معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت کرد که: در حجر اسماعیل - آنچه تا رکن سوم می‌رسد - دختران اسماعیل به خاک سپرده شده‌اند.»



این دسته از روایات می‌گوید: حجر محل دفن هاجر، اسماعیل، دختران اسماعیل و برخی انبیا است؛ یعنی یک قبرستان مقدس. ولو برخی از این روایات مرفوعه است، اما برخی دیگر صحیح می‌باشد، و این گروه از روایات، شاهد خوبی است که حجر اسماعیل جزو خانه خدا نیست و چیزی از خانه خدا در آن واقع نشده است. زیرا جایز نیست در داخل خانه خدا کسی را دفن کنند، هر چند پیامبر خدا یا از اولیاء الله باشند.

مرحوم آیت الله فاضل رحمته الله علیه می‌نویسد: تأیید بر این مطلب (که حجر جزو کعبه نیست) دفن اسماعیل، هاجر و تعدادی از پیامبران در آنجاست؛ زیرا مرسوم و معهود نبود که خانه خدا یا جزئی از آن، محل دفن عده‌ای قرار گیرد ولو از پیامبران یا افراد منتسب و مرتبط با آنان باشد. گرچه بگوییم که دفن جایز باشد. بنابراین، بدون هیچ تردیدی حجر بیرون از کعبه است و خانه، حتی جزئی از آن، شامل حجر اسماعیل نمی‌شود.^{۲۵}

* ج - روایاتی که دلالت می‌کند بر جواز خواندن نماز در حجر اسماعیل:

۱۲. روایت یونس بن یعقوب

«مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنِّي كُنْتُ أَصَلِّي فِي الْحِجْرِ، فَقَالَ لِي رَجُلٌ لَأَنْصَلَ الْمَكْتُوبَةَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَإِنَّ فِي الْحِجْرِ مِنَ الْبَيْتِ. فَقَالَ عليه السلام كَذَبَ صَلَّى فِيهِ حَيْثُ شِئْتَ».^{۲۶}

«یونس بن یعقوب گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: در حجر اسماعیل نماز می‌خواندم، مردی به من گفت: در این مکان نماز واجب بخوان؛ زیرا حجر جزئی از خانه خداست. امام عليه السلام فرمود: دروغ گفته است. هرگاه که خواستی در آنجا نماز بخوان.»

۱۳. خبر ابوبلال مکی

«وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَاءِ، عَنْ أَبِي بَلَالٍ الْمَكِّيِّ، قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام دَخَلَ

الْحِجْرَ مِنْ نَاحِيَةِ الْبَابِ، فَقَامَ يُصَلِّي عَلَى قَدْرِ ذِرَاعَيْنِ مِنَ الْبَيْتِ فَقُلْتُ لَهُ
مَا رَأَيْتُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ يُصَلِّي بِحَيْثُ الْمِزَابِ فَقَالَ هَذَا مُصَلِّي شَبْرٍ وَ
شَبِيرٍ ابْنَيْ هَارُونَ»^{۲۷}

«بلال مکی می‌گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که داخل حجر شد و دو ذراع مانده
به خانه، نماز گزارد. به او گفتم: کسی از اهل بیت تو را ندیدم که زیر ناودان
نماز بخواند. فرمود: اینجا نمازگاه فرزندان هارون شبر و شبیر است.»

بررسی روایت

از این روایات، به خصوص روایت یونس استفاده می‌شود که خواندن نماز واجب
در حجر اسماعیل صحیح است و کراهتی ندارد و همین دلیل بر این است که حجر جزو
کعبه نیست؛ زیرا در داخل کعبه خواندن نماز مکروه است. البته سند هر دو روایت ضعیف
می‌باشد. خبر ابو بلال مکی به علت مجهول بودن وی ضعیف است و روایت یونس به خاطر
عدم توثیق محمد بن الحسین. لیکن برخی از علما مانند آیت الله فاضل رحمته الله علیه به روایت یونس
استدلال کرده‌اند.^{۲۸} که در این صورت می‌تواند مؤید دو گروه قبلی باشد.

نتیجه روایات سه گروه

از سه گروه روایات یاد شده که از حدّ تواتر گذشته و برخی از آنها صحیح است،
استفاده می‌شود حجر اسماعیل جزو کعبه نیست - نه همه و نه جزئی از آن، ولو به اندازه سر
ناخن انگشت - محل حجر، خانه اسماعیل بوده و محل دفن هاجر، اسماعیل و تعدادی از انبیا
می‌باشد و احکام کعبه بر آن جاری نمی‌شود. چون در کعبه جایز نیست کسی را دفن کنند،
یا نماز خواندن در کعبه مکروه است. ولی حجر اسماعیل در طواف همچون کعبه است که
می‌بایست در داخل طواف قرار گیرد.

مسائل مرتبط با حجر اسماعیل

۱. عدم جواز طواف از داخل حجر

همه فقها؛ اعم از خاصه و عامه، بر این نظریه هستند که حجر اسماعیل باید مانند کعبه داخل
طواف قرار گیرد. در این مورد کسی تردید ندارد و فتوایی برخلاف نداده‌اند. لیکن در دلایل

آن، میان علمای شیعه و اهل سنت اختلاف وجود دارد. طبق قول مشهور فقهای شیعه دلایلی چون: «اجماع»، «روایات»، «سیره» و «سنت» وجود دارد و حجر اسماعیل به عنوان دلیل، هیچ دخالتی بر این مسأله ندارد. برخلاف اهل سنت که به اتفاق و اجماع، حجر اسماعیل را دلیل این وجوب می‌دانند.

ابن قدامه از علمای اهل سنت می‌نویسد: طواف باید بیرون از حجر باشد، چون حجر جزو بیت است.^{۲۹}

از آنجا که ابن قدامه حجر اسماعیل را جزو بیت می‌داند، با آن معامله بیت می‌کند؛ همانطور که کعبه باید داخل طواف قرار گیرد، حجر نیز باید داخل طواف باشد. علامه حلی نیز مانند اهل سنت به حجر اسماعیل برای وجوب داخل قرار گرفتن حجر در طواف و دست گذاشتن روی دیوار حجر، چنین استدلال کرده است.

در تذکرة الفقها آمده: واجب است حجر اسماعیل را داخل در طواف کند... پس اگر بر روی دیوار حجر رفت یا از در حجر وارد و از در دیگر خارج شد، طواف او مجزی نیست؛ چرا که او در بیت طواف کرده است. بلکه واجب است که برگرد حجر اسماعیل طواف کند...^{۳۰}

بنابر قول علامه چون حجر جزو کعبه است، پس اگر دستش را روی دیوار حجر بگذارد در حقیقت دستش را داخل کعبه کرده است.

۲. دست گذاشتن روی دیوار حجر

فقها در حکم دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل نظریات گوناگون داده‌اند. گروهی دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل را جایز شمرده‌اند که در این، بحثی نیست. اما برخی که قائل به عدم جواز هستند، دو استدلال آورده‌اند؛ برخی به حجر اسماعیل استدلال کرده‌اند. مانند علامه و اهل سنت.

علامه در تذکره می‌نویسد:

«اقرّب عدم صحّت طواف کسی است که دستش را در حین طواف داخل حجر کرده است و این، یکی از اقوال شافعیه است؛ زیرا بعضی از بدن او در خانه قرار گرفته و ما شرط کردیم که باید تمام بدن او خارج بیت باشد.»

قول دیگر شافعی ها جواز است؛ و گفته‌اند زیرا بیشتر بدن او در خارج بیت است. پس در عرف گفته می‌شود: طواف کرده است ولی این قول ممنوع است. چون بعضی از بدن او، در بیت قرار گرفته است.^{۳۱}

علامه چون قائل است که حجر اسماعیل جزو بیت می‌باشد، می‌گوید کسی که دستش را به طرف حجر دراز کرد و یا روی دیوار حجر گذاشت، بعض بدن او در حین طواف، داخل خانه شده است و حال آن که در طواف باید تمام بدن او در خارج خانه باشد و حتی جزئی از بدن نیز جایز نیست که داخل خانه باشد. البته این استدلال از نظر مشهور فقها بی‌اعتبار است. چون با دلایل متقن ثابت شد که حجر اسماعیل جزو خانه نیست.

۲. حد مطاف

مسئله دیگر، حد مطاف از جانب حجر اسماعیل است. بنا به گفته کسانی که قائل به مضیق بودن حد مطاف هستند؛ یعنی فاصله بیت تا مقام ابراهیم (یعنی ۲۶/۵ ذراع، آیا این فاصله از جانب حجر اسماعیل، از کعبه محاسبه می‌شود یا از دیوار حجر؟ در این مسئله دو نظریه است که هر کدام مبنایی دارند:

۱. محاسبه از بیت ۲. محاسبه از دیوار حجر اسماعیل.

نظریه نخست: فاصله مطاف از بیت محاسبه می‌شود، در این صورت با کسر مقدار حجر اسماعیل (تقریباً ۲۰ ذراع) محل طواف ضیق شده و حد مطاف در این قسمت به ۶/۵ ذراع (۳/۵ متر) می‌رسد.

مثلاً امام خمینی رحمته الله علیه که قائل به این مسئله است، می‌فرماید:

در سمت حجر اسماعیل محل طواف تنگ می‌شود؛ زیرا مقدار حجر (۲۰ ذراع) از آن کاسته شده و تقریباً شش ذراع و نیم برای محل طواف باقی می‌ماند و باید از خارج این حد طواف نشود و اگر بیش از شش ذراع و نیم فاصله گرفت، آن جزء را اعاده کند و احوط اعاده طواف می‌باشد.^{۳۲}

دلایل این موضوع متفاوت است:

- در برخی منابع فقهی آمده است چون حجر اسماعیل جزو بیت نیست، پس باید مسافت

را از بیت محاسبه کرد، در این صورت، حجر داخل مطاف قرار گرفته و حدّ مطاف ضیق می شود.

- مبنای استدلال برخی دیگر در این محاسبه آن است که چون حجر اسماعیل جزو بیت است، پس محاسبه از دیوار حجر صحیح است؛ مانند مرحوم صاحب جواهر.
- شیخ محمدحسن نجفی می نویسد: بنا بر این که حجر اسماعیل جزو کعبه باشد، مسافت از خارج (دیوار) حجر محاسبه می شود. لیکن ایشان در نهایت جانب احتیاط را گرفته است.^{۳۳}
- برخی از علما هم قرائن و شواهدی آورده اند که ارتباطی به حجر اسماعیل ندارد، چه جزو خانه باشد چه نباشد. بلکه این دلایل مستقلاً بر محاسبه مسافت از دیوار حجر دلالت می کنند؛ مانند:

۱. پیامبر خدا ﷺ در عمره القضا با هفتصد نفر طواف کرد. آیا تصور می شود که این تعداد مسلمان، همه در $\frac{3}{5}$ متر طواف کنند؟

۲. پیامبر ﷺ در حجّه الوداع با صد هزار نفر به حج آمده بود و همه آنان انگیزه داشتند مناسک حج را با عمل به دستورات آن حضرت بیاموزند، لذا تلاش می کردند خود را به آن حضرت نزدیک تر کنند. اگر فرض کنیم نصف این جمعیت در طواف حضور داشته باشند، آیا تصور می شود که در سه ناحیه به فاصله $\frac{26}{5}$ ذراع طواف کنند و در یک ناحیه در $\frac{6}{5}$ ذراع؟!

۳. چنین نیست که همیشه در ایام حج، مطاف خلوت شود، به ویژه در عصر امامان بزرگوار که بر تعداد حاجیان افزوده می شد. حال با وجود کثرت جمعیت و گاه ازدحام و ابتلای مردم، می بایست از امامان مسأله حد مطاف در ناحیه حجر اسماعیل سؤال می شد و آنان پاسخ می دادند و یا خود آن بزرگواران به صراحت متعرض مسأله می شدند و حال آن که در این خصوص هیچ روایتی وجود ندارد تا مسأله ضیق بودن مطاف در این قسمت را بیان کند و چون روایتی به دست ما نرسیده و حال آن که دوای بر ذکر آن بوده، معلوم می شود که مسافت طواف در قسمت حجر، ضیق نبوده و مطاف از دیوار حجر محاسبه می شده است.^{۳۴}

پی نوشت ها:

۱. فروع کافی، ج ۴، ص ۲۱۰
۲. دروس، ج ۱، ص ۳۹۴
۳. تذکرة الفقها، ج ۸، ص ۹۱
۴. المغنی، ج ۳، ص ۳۹۷.
۵. مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۲۸
۶. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۳
۷. کتاب الحج، ج ۴، ص ۳۶۳
۸. المغنی، ج ۳، ص ۳۹۷
۹. همان.
۱۰. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ [وآله] وَسَلَّمَ إِنَّ قَوْمَكَ اسْتَقْصَرُوا مِنْ بُنْيَانِ الْبَيْتِ وَلَوْلَا حَدَاتُهُ عَهْدِهِم بِالشَّرْكِ أَعَدْتُ مَا تَرَكُوا مِنْهُ فَإِنْ بَدَأَ الْقَوْمُكَ مِنْ بَعْدِي أَنْ يُبْنُوهُ فَهَلُمَّي لِأُرِيكَ مَا تَرَكُوا مِنْهُ فَأَرَاهَا قَرِيبًا مِنْ سَبْعَةِ أذْرَعٍ» (المغنی، ابن قدامه، ج ۳، ص ۳۹۷)
۱۱. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۹۳
۱۲. مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۲۸
۱۳. کتاب الحج، ج ۴، ص ۳۶۳
۱۴. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۹، ابواب الطواف، باب ۳۰، ح ۱
۱۵. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۷۶، ابواب الصلاة، باب ۵۴، و ح ۶۵۳۵، چاپ آل البيت.
۱۶. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۳۰، ابواب الطواف، باب ۳۰، ح ۶
۱۷. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۳۰، ابواب الطواف، باب ۳۰، ح ۳
۱۸. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۳۱، ابواب الطواف، باب ۳۰، ح ۱۰
۱۹. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۲۹، ابواب الطواف، باب ۳۰، ح ۲؛ ج ۱۳، ص ۳۵۴
۲۰. همان، ح ۳
۲۱. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۳۰، ابواب الطواف، باب ۳۰، ح ۸
۲۲. همان، ح ۵
۲۳. همان، ح ۷
۲۴. وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۳۰، ابواب الطواف، باب ۳۰، ح ۴
۲۵. کتاب الحج، ج ۴، ص ۳۶۴
۲۶. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۷۶، ابواب الصلاة، باب ۵۴، ح ۶۵۳۴، چاپ آل البيت.
۲۷. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۷۶، ابواب الصلاة، باب ۵۳، ح ۶۵۲۹
۲۸. کتاب حج، ح ۴، ص ۳۶۴
۲۹. المغنی، ج ۳، ص ۳۹۷.
۳۰. تذکرة الفقها، ج ۸، ص ۹۱.
۳۱. تذکرة الفقها، ج ۸، ص ۹۲، م ۴۵۹.
۳۲. تحریر الوسيله، ج ۱، ص ۴۳۳
۳۳. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۹۸
۳۴. آية الله فاضل، کتاب الحج، ج ۴، ص ۳۷۵